

بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه‌شناختی بعد از انقلاب اسلامی ایران

غلامرضا فرهمند کوشکقاضی^۱، مجیدرضا کریمی^۲، کرامت‌الله راسخ^۳

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه‌شناختی بعد از انقلاب اسلامی بود. این تحقیق جز تحقیقات طولی می‌باشد و روش آن، تلفیقی از روش‌های روندپژوهی و توصیفی می‌باشد که با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی با ضریب پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با روش همزمان انجام گرفت. بررسیها بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و مجموعه‌ای از گزارشهای معتبر ملی در سطح کشوری انجام شده و در جریان آن شاخصهای جمعیت‌شناختی ساختار خانواده با مجموعه‌ای از شاخصهای توسعه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نفوذ اینترنت و اشتغال زنان بر نسبت طلاق به ازدواج تأثیر مثبت دارد. امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان توانسته‌اند میانگین سن ازدواج را افزایش دهند. همچنین عاملی که منجر به کاهش بعد خانواده شده است، تحصیلات عالی زنان می‌باشد. زنان با تحصیلات عالی و اشتغال زنان در افزایش درصد زنان ازدواج نکرده تأثیر داشته‌اند. اما مولفه‌ای که در درصد مردان ازدواج نکرده تأثیر داشته است، نفوذ اینترنت می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختار خانواده، شاخص‌های توسعه اجتماعی، نفوذ اینترنت، اشتغال زنان، بعد خانواده.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران
^۲ استاد یار گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران: نویسنده مسئول.
majidrezakarimi@gmail.com

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.

مقدمه

در جهان امروز، تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است و لذا نمی‌توان از خانواده به عنوان امری تغییرناپذیر و ایستا صحبت کرد. خانواده در دهه‌های اخیر در ایران به عنوان جامعه پیرامونی و تأثیرپذیر، تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی دچار تغییر شده است (میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۷). طی چند دهه اخیر، خانواده‌های گسترده تقریباً در بسیاری از کشورها ناپدید شده‌اند (که یک دلیل اصلی آن مهاجرت است) و خانواده‌های هسته‌ای روز به روز هسته‌ای‌تر و کوچک‌تر می‌شوند. تلاش‌ها برای حفظ اشکال سنتی خانواده (هسته‌ای و گسترده) همچنان با هزینه‌های گزاف تبلیغی و سیاست‌های حمایتی ادامه دارد. در کنار اشکال سنتی خانواده انواع دیگری همچون: زندگی مشترک بدون ازدواج (ازدواج سفید)، شکل تک‌والدینی و عجیب‌تر از این دو، شکل دو‌والدین هم‌جنس، با یک یا چند فرزند، قابل رویت است.

در واقع انواعی از آینده‌های بدیل ممکن برای آینده خانواده می‌توان نام برد که احتمال گسترش آنها وجود دارد. گرایش زن‌ها به فرزندآوری کمتر شده و احتمال منسوخ شدن زنانه‌زایی قوت بیشتری گرفته است. تمایلات همجنس‌گرایانه شکل جدیدی به نهاد خانواده داده است که خانواده‌های دو‌والدی با جنس یکسان نمونه‌ای از آن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که احتمال منسوخ شدن تمامی اشکال خانواده نیز وجود دارد. این بررسی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰ رشد چشم‌گیری در زیست‌های تک‌نفره افراد بالغی که به شکل مجردی زندگی می‌کنند که تقریباً هیچ ارتباط خانوادگی با دیگران ندارد نیز به وجود خواهد آمد (Sonenstein, 2012). در واقع، یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ اجتماعی بشر گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌باشد؛ در گذر از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، ساختار جمع‌گرایانه خانواده گسترده دگرگون شده و خانواده هسته‌ای به عنوان نخستین صورت تغییر ساختار خانواده به واسطه اقتصاد صنعتی در قرن نوزدهم ظهور می‌یابد. گام دوم عرصه خانواده که با دگرگونی خانواده هسته‌ای در نیمه دوم قرن بیستم ظاهر شده، شامل مجموعه تغییرات جمعیت‌شناختی است که خانواده را تا مرز فروپاشی پیش برده است؛ مهم‌ترین تغییرات جمعیت‌شناختی که در پژوهش‌های مختلفی در اروپا و آمریکا مبنای مطالعه تحولات ساختار

33 بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

خانواده قرار گرفته اند عبارت اند از: افزایش آمار طلاق، افزایش سن ازدواج، افزایش خانواده های تک والدی، کاهش نرخ باروری، کاهش بعد خانواده و افزایش روابط موسوم به هم بالینی (Zartsky, 2011؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۴؛ Tomas, 2013). به لحاظ تاریخی، تغییرات مذکور در هر دو شکل اولیه و ثانویه آن، با ظهور دوره های جدیدی در تاریخ تحولات اجتماعی بشر متناظرند، تغییر اول با ظهور جامعه مدرن، به ویژه با تأکید بر اقتصاد صنعتی و تغییر دوم با مدرنیته متأخر و یا حتی پست مدرنیسم متناظر است (گیدنز، ۱۳۸۴).

بر همین اساس می توان استدلال کرد که خانواده به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی می تواند آینه تمام نمایی از تحولات اجتماعی در سطح کلان جامعه باشد، کاری که دورکیم در تقسیم کار اجتماعی و برای توضیح گذر از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی کرده است (دورکیم، امیل، ۱۳۹۲)؛ به همین ترتیب می توان به اندیشه ورزی های گیدنز (۱۳۸۴)، بک و بک (۲۰۰۲)، باومن (۲۰۰۳) و کاستلز (۱۳۸۶) در نیمه دوم قرن بیستم و برای توضیح تحولات موسوم به مدرنیته متأخر یا ظهور عصر اطلاعات اشاره کرد. بررسی تغییرات ساختار خانواده در ایران نیز از این منظر مهم است؛ جامعه ای که در دو دهه گذشته تغییرات ساختاری و ارزشی تأمل برانگیزی را تجربه کرده و اکنون با مسائل اجتماعی متعددی دست به گریبان است که عمدتاً پیرامون نهاد خانواده انباشته شده اند؛ اگرچه تفاسیر و تبیین های متعددی پیرامون تحولات مذکور شکل گرفته (رفیع پور، ۱۳۷۶؛ ربیعی، ۱۳۸۰؛ فکوهی، ۱۳۹۰؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۴)، اما به نظر می رسد مناسب ترین حوزه برای فهم بهتر روند تحولات ساختاری و ارزشی کشور، تمرکز بر نهاد خانواده و روند دگرگونی ارزش های حاکم بر آن است.

به این ترتیب که درون مایه اصلی این تغییرات به باور اندیشمندانی چون گیدنز، فوکویاما، اولریش بک، کاستلز و جئورجیاس در جست و جوی خواسته های فردی و اولویت دادن به آنها در مقایسه با خواسته های جمعی و خانوادگی است، اما از سوی دیگر با توجه به ویژگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران، قضاوت در خصوص تغییرات ساختاری و استحکام نهاد خانواده ایرانی و تأثیر گرفتن از توسعه اجتماعی سخت و دشوار است.

با توجه به ابهامات موجود درباره این مسئله، تحقیق حاضر سعی دارد با تحلیل روند تغییرات ساختار خانواده بعد از انقلاب اسلامی در کشور، به بررسی و تبیین تاثیر شاخص‌های توسعه اجتماعی بر آن بپردازد. پرو سند و گزارش‌های موجود، سازمان ملل با شناخت از این موضوع که شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از این اجزا را مورد سنجش قرار دهد، در اصل متعدّدند و در بیش‌تر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آنها وجود ندارد، صورتی از شاخص‌های دارای اولویت را پیشنهاد کرد که عبارت بودند از: امید به زندگی در هنگام - تولد؛ میزان مرگ و میر نوزادان؛ میانگین - ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری‌های مورد نیاز سطح جزیی در مقایسه با مقدار برآورد شدهی کالریهای مورد نیاز؛ نسبت کودکان 4 تا 12 ساله که در مدارس نام نویسی کرده‌اند؛ نسبت درصد جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیتی؛ نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی یا به عبارت دیگر درصد بیکاری؛ نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی؛ مصرف فردی به صورت نسبتی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن. از آن زمان تا اوایل دهه نود میلادی، برای توصیف دقیق‌تر وضعیت توسعه اجتماعی، شاخص‌های دیگری نیز به مرور طراحی شدند که این شاخص‌ها بیش‌تر در ارتباط با حوزه‌های بهزیستی و مراقبت اجتماعی قرار می‌گرفتند. انتشار سلسله گزارش‌های سالانه توسعه انسانی¹ از سوی برنامه عمران سازمان ملل متحد² از سال 1990، مشخصاً موجب ارتقای رویکردهای عمومی به سنجش توسعه اجتماعی شد.

بر پایه روش‌های اعلام شده در این گزارش‌ها، اجزای شاخص توسعه انسانی در برگیرنده: امید به زندگی به هنگام تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت نام در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایه شاخص برابری توان خرید هستند. پس از برآورد شاخص‌های یاد شده، سه نماگر ترکیبی: طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، سطح آموزش (میزان باسوادی بزرگسالان با ضریب دو سوم، و نیز میزان ثبت نام در کلیه مقاطع

¹ HDR: Human Development Reports

² UNDP: United Nation Development Program

35.....بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

تحصیلی با ضریب یک سوم)، و سطح معاش آبرومند (سرانه تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار) محاسبه می شود که شاخص توسعه انسانی میانگین غیر وزنی این سه شاخص است. به طور خاص در حوزه توسعه اجتماعی، در دهه اخیر تلاش های وسیعی برای تعیین شاخصی مستقل صورت پذیرفته است. مرکز سیستم های پایدار¹ دانشگاه میشیگان نیز در ضمن ارائه گزارشی از وضعیت شاخص های توسعه اجتماعی در جهان (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۷).

شاخص های زیر را که بسیاری از آن ها برای سنجش پیشرفت به سوی اهداف توسعه هزاره² مورد استفاده قرار می گیرد، به عنوان شاخص های توسعه اجتماعی معرفی کرده است:

۱. شاخص های جمعیتی: مقدار جمعیت و رشد آن، مسائلی که جمعیت های انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد از قبیل ایدز، مرگ و میر کودکان، مرگ مادران، باروری نوجوانان، و امید به زندگی در بدو تولد؛
۲. استانداردهای زندگی: تعداد افرادی که زیر خط فقر جهانی زندگی می کنند، توزیع عادلانه درآمد، و تعداد افراد بی خانمان؛
۳. غذا، مقدار درآمد متوسط مصرف شده برای غذا، نوشیدنی و دخانیات؛
۴. آب و فاضلاب، تعداد افرادی که به آب آشامیدنی و سیستم فاضلاب مناسب دسترسی دارند به تفکیک شهر و روستا؛
۵. بیماری ها و مراقبت سلامت؛
۶. آموزش و اشتغال، میزان سواد و حداقل دستمزدها؛
۷. محیط زیست، میزان آلودگی محیط زیست و تولید گازهای گلخانه ای .

شاخص های توسعه اجتماعی گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ توسعه اجتماعی را به ۶ بعد به صورت زیر تقسیم می کند:

الف) شاخص های دموگرافیک (پیشگیری از بارداری، زاد و ولد، مرگ و میر نوزادان)؛

¹ Center for Sustainable Systems

² Millennium Development Goals (MDG)

ب) شاخص‌های سلامت (موالید رسمی، سوء تغذیه)؛
 ج) شاخص‌های امکانات رسمی (خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، خانوارهایی که به آب شرب دسترسی دارند، خانوارهایی که به برق دسترسی دارند، خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند)؛

د) شاخص‌های پیشرفت تحصیلی (میزان سواد، نسبت دانش آموز به معلم، حضور در مدرسه)؛

ذ) شاخص‌های محرومیت اقتصادی (بیکاری، ضریب جینی)؛

ر) شاخص‌های مرتبط با محرومیت اجتماعی (نسبت میان سواد جمعیت کاست برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت قبیله‌ای برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان هزینه مصرفی ماهانه سرانه مسلمانان به کل جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت زنان و متوسط سواد کل جمعیت، نسبت میان میزان بیکاری زنان به بیکاری کل جمعیت، نسبت جنسیتی کودکان)^۱. بر اساس مرور منابع داخلی و خارجی جامع‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی را می‌توان به شرح جدول بیان نمود (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول (۱) علمي‌اتي سازي توسعه اجتماعي در برنامه‌هاي توسعه

ابعاد توسعه اجتماعی	مؤلفه‌ها
عدالت	عدالت اقتصادی
	عدالت اجتماعی
عدالت جنسیتی-دستیابی جامعه به اطلاعات-دسترسی به خدمات بهداشتی، سلامت-دسترسی به امکانات آموزشی	کاهش واگرایی مذهبی و دینی-افزایش همگرایی قومی-تواری-همبستگی و سرمایه اجتماعی-انسجام ملی- مشارکت اجتماعی-اعتماد اجتماعی
	حمایت اجتماعی-دسترسی به خدمات زیربنایی-خدمات سلامت و بهداشت و درمان- سیاست‌های جمعیتی-اشتغال- مسکن-سلامت و ثبات خانواده- وضعیت سالمندان-وضعیت جوانان-تأمین اجتماعی-آموزش فنی و حرف‌های آموزش شوپروش-باسوادی جمعیت عمومی- آموزش عالی-برخورداري از امکانات اوقات فراغت-تغذیه
سرمایه اجتماعی	بهره برداری بهینه از منابع- آمایش سرزمین-حفاظت از محیط طزیست
رفاه اجتماعی	ارتقای کار و بهره‌وری-شهروندی-علم گسترتری-نظم اجتماعی
پایداری	امنیت فردی-امنیت عمومی- امنیت قضایی-امنیت اقتصادی-پیشگیری از امنیت اجتماعی آسیب‌های اجتماعی

^۱ شاخص‌های توسعه اجتماعی مطرح شده در جدول مذکور، تمامی شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماعی نمی‌باشند، بلکه شاخص‌های مهمی هستند که آمار آنها، موجود است.

37 بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی.....

از میان شاخص های مختلف معرفی شده، دو شاخص عدالت از مؤلفه های توسعه اجتماعی جغتایی و همکاران (۱۳۹۵) و شاخص توسعه اجتماعی مؤسسه بین المللی مطالعات اجتماعی از جامعیت بیشتری برخوردار است و ابعاد بیشتری از مفهوم توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار می دهند .

همان طور که در ادامه نیز ملاحظه خواهد شد از میان این دو شاخص و با توجه به برنامه های چشم انداز توسعه ایران برخی شاخص های توسعه اجتماعی که با جامعه ایران سازگارتر بود و نیز آمارهای آن در سرشماری ها موجود بود شامل: شاخص های توسعه شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان و توسعه فناوری های مربوط به اینترنت (نفوذ اینترنت) انتخاب گردید. در واقع، این شاخص ها نزدیک ترین شاخص های موجود به تعریف توسعه اجتماعی و متناسب با جامعه کشورمان ایران که آمارهای آن در دسترس است، می باشد. هم نمونه این شاخص ها در مطالعات داخل کشور به عنوان شاخص های توسعه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک: متقی، ۱۳۹۶؛ جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۴؛ فاضلی، ۱۳۹۲؛ زاهدی، ۱۳۹۰؛ پیران، ۱۳۸۴).

طبق نتایج به دست آمده از مبانی نظری ساختار خانواده، می توان بیان داشت جامعه شناسان ساختگرایی مانند گورویچ معتقدند پدیده های مانند خانواده مدام در حال از ساخت افتادن و دوباره ساخته شدن است (صادقی فسایی و کلهر، ۱۳۸۶) و مروری بر تحولات خانواده تا به امروز این نوبه نو شدن را به نیکی نمایان می سازد. همچنین تغییر در نهاد خانواده به عنوان یکی از مجموعه نهاد های بهم وابسته جامعه، بدون بررسی تغییرات در سایر نهادها امکان پذیر نیست. بنابراین تحلیل خانواده نیازمند تحلیل تغییرات و اثر متقابل تغییر سایر نهادهاست که می توان در این مورد به شاخص های توسعه اجتماعی نظر افکند. قابل انکار نیست که خانواده جهان امروز در حال تغییر و تحول است. همان گونه که طی قرن ها و نسل ها این تحولات اتفاق افتاده است .

اما سؤال اساسی این است که تفاوت و شدت و حدت این تحولات به چه اندازه است؟ و این که آیا روند تحولات به سمت نابودی واحد خانواده در جوامع انسانی پیش می رود؟ به نظر می رسد درون خانواده ایرانی اتفاقاتی در حال وقوع است که برخی مقاومت ها امکان بروز یکباره آنها را نمی دهد و از جمله آنها می توان به حرمت خانواده هسته ای در فرهنگ رسمی و غیررسمی ایران و نیز

مقاومت سنتی در برابر تغییرات اشاره کرد. جامعه‌شناسانی مانند گیدنز، خانواده هسته‌ای را گونه مطلوب خانواده در وضعیت موجود می‌دانند.

جامعه‌شناسان ساختی، کارکرد انعطاف خانواده به نفع حفظ کلیت نظام را ضروری می‌دانند و از سوی دیگر رویکردهای رادیکال‌تر به حفظ وضع موجود به دیده تحقیر و نفرت می‌نگرند و معتقدند هرگونه ساختاری می‌تواند باعث سوءاستفاده صاحبان قدرت باشد و بنابراین از تغییرات اساسی در آن استقبال می‌کنند. همچنان که در این بخش و تا به اینجا بحث شد، هدایت کنندگان جامعه‌پذیری و انتقال بین نسلی فرهنگ، نقش‌های برون‌سپاری شده، ساختار قدرت متحول شده، انقطاع بین نسلی، ارزش‌های بعضاً متعارض و تغییر در مفاهیم مرتبط با تولید موالید، بخشی از چالش‌هایی‌اند که خانواده‌دیروز در متن اجتماعی امروز باید به آنها پاسخ بدهد. این پاسخدهی تا کنون با ابزارهایی مانند ارزش‌های سنتی، مقاومت ایرانیان در مقابل تغییرات بیرونی و هم‌نوایی دو رکن مهم ساماندهی جامعه یعنی مذهب و حکومت با سنت انجام شده است.

اما از سوی دیگر، محرک‌هایی مانند تحرک اجتماعی، کمبود منابع اقتصادی و درآمدی، کمبود مسکن و مفهوم جهانی شدن نیز همراه قدرتمندی برای این مقاومت‌ها محسوب می‌شوند که اگر در مقابل آنها چاره‌جویی نشود بعید است وضعیت رایج بتواند سنت‌ها را نگاه دارد. بررسی قوانین و مقررات رسمی کشورهای جهان در خصوص خانواده و ازدواج نشان می‌دهد که در کشورهای اسکاندیناوی و ایالات متحده موضوع انواع خانواده به ویژه همباشی‌ها به لحاظ قانونی پذیرفته شده است.

اما در سایر کشورها در منابع قانونی و آماری، به همباشی پرداخته نشده است اما خانواده‌های تک‌والدی و تک‌نفره فراوانی بسیاری یافته‌اند. در ایران نیز با افزایش نرخ طلاق و کاهش نرخ ازدواج و نیز افزایش میانگین سن ازدواج به نظر می‌رسد که در آینده باید منتظر کاهش فراوانی خانواده‌های هسته‌ای دو‌والدی و ایجاد و گسترش سایر انواع خانواده بود. با استفاده از رویکرد کارکردی - ساختی می‌توان پنداشت که تحول خانواده در آینده بدیهی و طبیعی است و خانواده برای بقای خود راهکارهای انطباقی را در پیش خواهد گرفت.

39بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

آنچه سیاستگذاران جامعه ایرانی باید در ذهن داشته باشند کسب آمادگی در مقابل سوالاتی است که در ذهن جوانان برای استدلالات مذاقعات انواع خانواده ایجاد می شود. اگر پاسخ مناسبی برای این سوالات ایجاد نشود و جامعه فضای گفتگو را برای نسل جدید مهیا نکند چالش های بعدی چندان دور از انتظار نخواهد بود. تأکید بر این ادعا که تحولات جامعه ایران و به طور خاص تغییرات خانواده تحت تأثیر فرهنگ غربی و مسیر تحولات آن در تعقیب تحولات غرب است نیازمند بررسی های بیشتر و همه جانبه تر است.

بر اساس آنچه تا اینجا مرور شد می توان تا حدودی این ادعا را درک کرد که بسیاری از الگوهای اشکال جدید خانواده در ایران مستقیم یا غیرمستقیم اندکی بعد از وقوع در برخی کشورهای غربی به وقوع پیوسته اند و شاید شکل تغییر یافته ایرانی از خانواده چندان بارز نباشد. این امر می تواند از این حیث قابل تأمل باشد که آنچه در سنت ایرانی (به عنوان یک فرهنگ شرقی) ارزشمند و شاید ارزشمندترین بوده در معرض تغییری قرار گرفته که از درون ایجاد نشده و برون زا بودن تحولات اجتماعی ممکن است به برداشت سطحی و پوسته ای بدون ادراک دقیق، عمیق و فلسفی از آنها منجر شود.

به نظر می رسد که در جامعه ایران که دوره گذار را می گذرانند برخی هنجارهای مدل مقبول در سنت های ایرانی برقرار مانده است که گاهی با تغییرات جدید فرهنگی هماهنگ نیست. از این جهت به نظر می رسد تقویت فرهنگ گفتگوی بین نسلی امکان و فرصت بیشتری برای سازگاری هنجارهای قدیم و جدید به همه افراد جامعه خواهد داد. همچنین بایسته است که سیاست گذاران و تحلیل گران الگوی متناسبی برای تغییرات خانواده در ایران بیابند یا بسازند تا مدلی برخاسته از نیازها و شرایط خاص ایرانی ایجاد گردد.

بهره گیری از مدل های تحلیل غربی ممکن است فرصت بررسی دقیق تغییرات را به ما ندهد و رضایت و همراهی ذینفعان را به همراه نداشته باشد (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۶). به همین خاطر در مطالعه حاضر، ارتباط تغییر ساختار خانواده و شاخص های توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده است که در ادامه به آن پرداخته می شود. در واقع، مسئله تحقیق حاضر بررسی تغییرات ساختار و دگرگونی در نهاد خانواده بعد

از انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه اجتماعی مانند میزان شهرنشینی، امید به زندگی بدو تولد، نرخ اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان و تکنولوژی اطلاعات نفوذ اینترنت می‌باشد. نهاد خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه می‌باشد.

طبق آخرین آمار از وضعیت طلاق و ازدواج در کشور، در نیمه اول سال ۱۳۹۷، ۳۲۴ هزار و ۷۱۳ نفر ازدواج کرده و ۸۴ هزار و ۱۶ نفر طلاق گرفته‌اند. هم‌چنین، تعداد ازدواج‌های ثبت شده در سال ۹۶ حدود ۸ درصد کمتر از سال ۹۵ بوده است. طلاق‌های ثبت شده در سال ۹۶ هر ساعت ۲۰ مورد و به عبارت دیگر، هر سه دقیقه یک طلاق ثبت شده و معادل ۲۹ درصد پیوندها، جدایی رخ داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر جامعه با مجموعه تغییراتی رو به رو شده که در جریان آنها افراد از قید و بند ارزش‌ها و هنجارهای بیرونی رهایی یافته و بر اساس خواسته‌های شخصی خود تصمیم‌گیری و رفتار می‌کنند. در چنین وضعیتی که به سمت تغییر کنونی ساختار خانواده و در نتیجه فردی شدن پیش می‌رود، افراد تنها بر اساس خواسته‌های شخصی خود مانند در کنار دیگر اعضای خانواده را می‌پذیرند و از آنجا که حفظ پیوندهای خانوادگی فی‌نفسه ارزشی ندارد، با از دست رفتن این احساس خود را از این جمع جدا می‌کنند (مک کارنی و همکاران، ۱۳۹۰).

تغییر ساختار خانواده در قالب شاخص‌های نسبت طلاق به ازدواج، میانگین سن ازدواج زنان و مردان، بعد خانواده، درصد مردان و زنان ازدواج نکرده در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد این تغییرات تحت تاثیر عوامل مختلف و جریان‌هایی مانند توسعه اجتماعی قرار داشته باشد. رونق سطح رفاه اجتماعی با توسعه شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد، رونق بازار اشتغال زنان و توسعه فناوری‌های مربوط به نفوذ اینترنت جزء مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی هستند که نقش مؤثری در ارتباط با تغییر ساختار خانواده ایفاء می‌کنند.

درواقع، می‌توان گفت تغییر ساختار خانواده تحت تأثیر جریان‌های جهانی توسعه اجتماعی و اقتصادی با درونمایه مدرنیزاسیون، تابعی است از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی آن جوامع. با توجه به اهمیت مسأله آینده خانواده، دوام و یا فروپاشی آن، همواره از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های جامعه‌شناسان

41.....بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

بوده است. به نظر می رسد، تحولات و دگرگونی های فراوانی که به مرور تقریباً در تمامی ابعاد و زوایای ساختی خانواده بوجود آمده است، از مهم ترین دلایل این دل نگرانی ها می باشد. به نظر می رسد این تغییرات ساختاری می تواند با شاخص های توسعه اجتماعی در ارتباط باشد. دانستن این ارتباط و بررسی آن مشخص کننده جنبه های مثبت و منفی این روند می باشد که آگاهی از آن به جامعه شناسان کمک می کند که بتوانند با پیش بینی روند آتی برنامه ریزی هایی جهت استفاده بهینه از سودمندی و بهره وری از فرصت های احتمالی به وجود آمده نمایند و در جهت پیش بردن خانواده ها به سمتی که بیشترین کارکرد را داشته باشد، تبیین هایی را دنبال نمایند. مرور ادبیات انجام شده درباره تحولات خانواده در ایران نشان می دهد که نظریه پردازان ایرانی ضمن قبول دگرگونی خانواده ایرانی در سال های اخیر، این تغییرات را بیشتر با گفتمان گذر از سنت به مدرنیته توضیح داده اند.

بر این اساس خانواده ایرانی در مرحله انتقالی از شکل سنتی به مدرن قرار دارد. ویژگی های تغییر ساختار خانواده ایرانی در این مطالعه بیشتر با تأکید بر دگرگونی و تغییرات جمعیت شناختی: نسبت طلاق به ازدواج، میانگین سن ازدواج زنان، میانگین سن ازدواج مردان، بعد خانواده، درصد زنان و مردان ازدواج نکرده با تأکید بر شاخص های توسعه اجتماعی از جمله میزان شهرنشینی، فرآیندهای تغییر نقش زنان در خانواده و جامعه به ویژه با تأکید بر فاکتورهای تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان، میزان امید به زندگی و توسعه فناوری های نفوذ اینترنت می باشد.

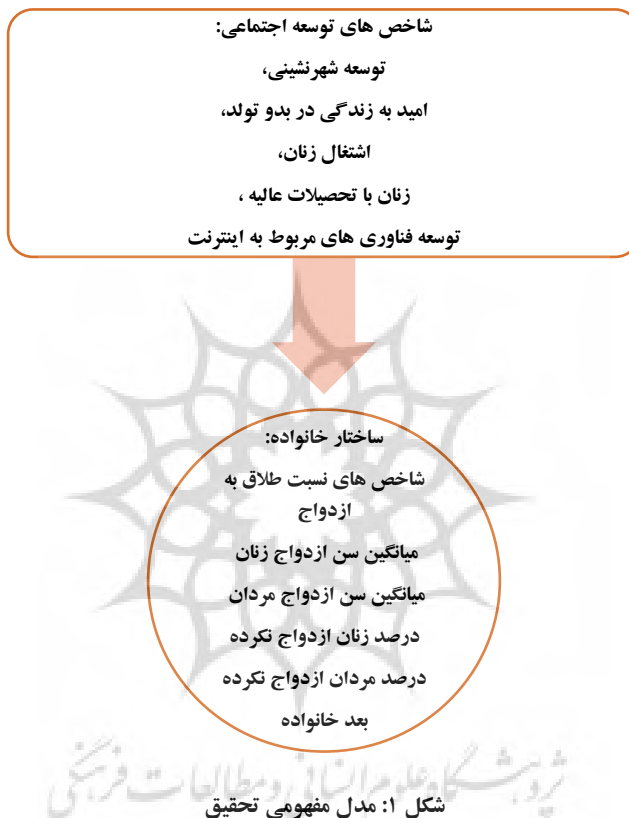
با مروری بر پیشینه تحقیق، حاجیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) الگوی خانواده مستحکم موضوع سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی را طراحی نمودند. قوتی سفید سنگی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به مطالعه بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند.

متقی (۱۳۹۶) مقاله ای با عنوان واکاوی شاخص های توسعه اجتماعی ایران با رویکردی بر برنامه های توسعه به چاپ رساند. ملکی و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی در مورد بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ی ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳ به انجام

رساندند. در بررسی پیشینه تحقیق در خارج کشور نیز، حداد و همکاران (۲۰۱۹) تغییرات ساختار خانواده، مشارکت در خانواده، تعامل حرفه‌ای و روابط زناشویی و یا دیگر روابط زوجی طولانی مدت، نقش حضور فرزند در تداوم ساختار خانواده محور را مورد مطالعه قرار دادند. دینسمن و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی در مورد ساختار خانواده با مقایسه ده کشور به انجام رساندند. واگلسانگ (۲۰۱۶) در مطالعات خود رابطه میان رفاه و توسعه اجتماعی را منوط به فرایند هدایت‌گری و برنامه‌های کلان دولت می‌داند.

در یک جمع‌بندی کلی، باید اذعان داشت که با توجه به معضلات موجود در جامعه و خانواده‌ها، بررسی تغییر در ساختار خانواده از مباحث مورد توجه جامعه‌شناسان می‌باشد. در این رابطه ازدواج یکی از کهن‌ترین سنت‌های اجتماعی جهان است که به عنوان مشروع‌ترین شیوه ارضای میل جنسی، نخستین گام برای تشکیل خانواده محسوب می‌شود. با وجود چنین اهمیتی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحولات جمعیت‌شناختی خانواده در نیمه دوم قرن بیستم، افول جایگاه و اهمیت ازدواج است که به شکل ملموسی در جوامع توسعه‌یافته صنعتی تجربه شده است.

این افول با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون کاهش نرخ خام ازدواج، افزایش میانگین سن ازدواج و افزایش روابط جنسی خارج از قواعد ازدواج، زندگی مشترک بدون ازدواج (ازدواج سفید)، شکل تک‌والدینی و عجیب‌تر از این دو، شکل دو‌والدین هم‌جنس، با یک یا چند فرزند مفهوم‌سازی شده است. در واقع، منظور از تغییرات ساختاری خانواده مجموعه تغییرات جمعیت‌شناختی است که به ایجاد دگرگونی در ساختار خانواده منجر می‌شود. در مطالعه حاضر با توجه به بررسی روند تغییرات ساختاری خانواده طی دوره زمانی بعد از انقلاب تا کنون، تصمیم بر آن است که این تغییرات را با تأکید بر برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی در شکل مورد تبیین و تحلیل قرار داد:



تغییرات ساختاری خانواده مجموعه تغییرات جمعیت شناختی است که به ایجاد دگرگونی در ساختار خانواده منجر می شود، همانند افزایش آمار طلاق، تأخیر در ازدواج و کاهش میزان باروری. نرخ باروری، بعد خانوار و نرخ رشد جمعیت از جمله شاخص های جمعیت شناختی هستند که در موج دوم گذر جمعیت شناختی کاهش یافته اند. فوکویاما ماهیت فردگرایانه این کاهش را با تأکید بر نظریه انتخاب عقلانی توضیح داده است؛ به این ترتیب که با توجه به در دسترس بودن تکنولوژی های

پیشگیری از بارداری، این امکان برای زنان و مردان فراهم شده تا با پیشگیری از بارداری از تعهدات و مسئولیت‌های پدر و مادر بودن شانه خالی کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹).

طلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین تغییرات جمعیت‌شناختی بر تغییر ساختار خانواده عرصه خانواده دلالت دارد، به عبارت ساده تر طلاق به این معنی است که پیوند زناشویی که بر اساس تعهدات متقابل بین زوجین بسته شده، در راستای تحقق خواسته‌های فردی گسسته می‌شود. افزایش آمار طلاق با تأکید بر شاخص نسبت طلاق به ازدواج عملیاتی شده است، دلیل انتخاب این شاخص از بین شاخص‌های مختلف طلاق، دقیق بودن و نیز لحاظ شدن اهمیت ازدواج در ارزیابی طلاق است، این شاخص از تقسیم تعداد کل طلاق‌های یک سال معین بر تعداد کل ازدواج‌های همان سال، ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید. شاخص بعدی تأخیر در ازدواج است که با شاخص‌های میانگین سن ازدواج در بین زنان و مردان و درصد مردان و زنان ازدواج نکرده عملیاتی شده است.

شاخص بعدی بعد خانواده می‌باشد. منظور از بعد خانواده یا حجم خانوار تعدادی از افراد است که به طور رسمی و یا عرفی یا شرعی جزء یک خانوار محسوب می‌شوند. میانگین یا متوسط حجم خانوار است که از تقسیم کل یک جامعه در زمان معین بر تعداد کل خانوارها به دست می‌آید. در تحقیق حاضر رابطه توسعه اجتماعی با ساختار خانواده با تمرکز بر پنج شاخص توسعه اجتماعی از جمله میزان شهرنشینی، امید به زندگی بدو تولد، تحصیلات عالی زنان، نرخ اشتغال زنان و کاربرد تکنولوژی اطلاعات نفوذ اینترنت بررسی می‌شود.

شاخص‌های فوق هم بیانگر رونق سطح رفاه اجتماعی و هم نشان دهنده دگرگونی موقعیت اجتماعی زنان هستند. منظور از شهرنشینی، زندگی یک جمعیت در شهر می‌باشد. نرخ اشتغال زنان، از تقسیم تعداد زنان شاغل به کل جمعیت زنان به دست می‌آید. سطح تحصیلات عالی زنان درصد زنان با تحصیلات عالی نسبت به کل جمعیت زنان می‌باشد. امید به زندگی در بدو تولد تعداد سال‌هایی است که انتظار می‌رود کودک بعد از تولد زندگی کند، با توجه به خطرهای مرگ و میر که برای گروه‌های مختلف سنی جمعیت اتفاق می‌افتد (لشکری، ۱۳۸۷). نفوذ اینترنت را با استفاده از برخورداری خانوارهای کشور و افراد از اینترنت در آمار سرشماری به دست می‌آید.

روش شناسی

روش تحقیق در این مقاله، تلفیقی از روش های روندپژوهی و توصیفی و جز تحقیقات طولی می باشد. واحد تحلیل در روندپژوهی برهه های زمانی است که در تحقیق حاضر دوره های سرشماری بعد از انقلاب اسلامی مد نظر بوده است و بدین منظور، یک بازه زمانی بعد از انقلاب اسلامی مطالعه گردیده و در مرحله بعد با روش توصیفی به بررسی رابطه متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است. در این مسیر، در مواردی بسته به اهمیت متغیرهای تحقیق و نیز آمار و ارقام موجود، بر داده های مقطعی و نیز یافته های مربوط به پژوهش های ملی و گزارش سازمان های دولتی نیز متمرکز شده است. جامعه آماری را کل افراد جامعه تشکیل می دهد.

برای متغیرهای شهرنشینی، میزان امید به زندگی، توسعه فناوری های نفوذ اینترنت، بعد خانواده کل افراد جامعه مورد بررسی قرار گرفتند که اطلاعات آن ها در سرشماری سازمان آمار کشور موجود بود. برای متغیرهای نسبت طلاق به ازدواج جامعه آماری شامل همه افراد ازدواج کرده و همه افراد طلاق گرفته بود.

برای بررسی متغیرهای میانگین سن ازدواج زنان، جامعه آماری همه زنان ازدواج کرده و برای متغیر میانگین سن ازدواج مردان، همه مردان ازدواج کرده در سال های مورد بررسی تشکیل دادند. در مورد متغیرهای درصد زنان ازدواج نکرده، جامعه آماری شامل همه زنان در سن ازدواج و برای درصد مردان ازدواج نکرده، همه مردان در سن ازدواج بودند. در مورد متغیرهای اشتغال زنان، زنان تحصیل کرده، همه زنان جامعه آماری تشکیل دادند.

یافته‌ها

جدول (۲): خروجی آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های توسعه اجتماعی و ساختار خانواده

نسبت طلاق به ازدواج	ضریب همبستگی	توسعه شهرنشینی	امید به زندگی در بدو تولد	اشتغال زنان	سطح تحصیلات عالی زنان	توسعه فناوری های اینترنت
۰/۷۷۰	۰/۶۲۵	۰/۱۶۴	۰/۷۷۰	۰/۸۴۵	۰/۹۱۱°	
۰/۱۲۸	۰/۲۵۹	۰/۷۹۲	۰/۱۲۸	۰/۷۷۹	۰/۰۳۲	
۰/۸۸۵°	۰/۹۶۲°°	۰/۹۶۳°°	۰/۸۸۵°	۰/۷۸۷	۰/۷۲۴	
۰/۰۴۶	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۴۶	۰/۱۱۴	۰/۱۶۷	
۰/۹۷۷°°	۰/۹۹۰°°	۰/۷۷۸	۰/۹۷۷°°	۰/۹۲۱°	۰/۹۱۳°	
۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۲۱	۰/۰۰۴	۰/۰۲۶	۰/۰۳۰	
-۰/۹۸۰°°	-۰/۹۰۵°	-۰/۶۴۱	-۰/۹۸۰°°	-۰/۹۹۸°°	-۰/۹۹۸°°	
۰/۰۰۳	۰/۰۳۵	۰/۲۴۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	
-۰/۷۴۹	-۰/۵۷۴	-۰/۲۷۵	-۰/۷۴۹	-۰/۸۶۱	-۰/۸۶۳	
۰/۱۴۵	۰/۳۱۱	۰/۶۵۵	۰/۱۴۵	۰/۰۶۱	۰/۰۶۰	
-۰/۵۶۰	-۰/۳۷۰	۰/۰۱۷	-۰/۵۶۰	-۰/۶۹۴	-۰/۷۴۱	
۰/۳۲۷	۰/۵۴۰	۰/۹۷۹	۰/۳۲۷	۰/۱۹۴	۰/۱۵۲	

* معناداری در سطح ۰/۰۵ /°° معناداری در سطح ۰/۰۱

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول مذکور، با بررسی رابطه ساختار خانواده نسبت طلاق به ازدواج، ملاحظه می‌شود که بین نسبت طلاق به ازدواج و توسعه فناوری های مربوط به اینترنت با احتمال ۹۵ درصد ($P < 0.05$) رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

همچنین، بین میانگین سن ازدواج زنان و امید به زندگی در بدو تولد و نیز با اشتغال زنان رابطه مثبت و معنادار با احتمال ۹۹ درصد ($P < 0.01$) و با توسعه شهرنشینی با احتمال ۹۵ درصد ($P < 0.05$) رابطه معنادار وجود دارد. میانگین سن ازدواج مردان با شاخص‌های توسعه اجتماعی توسعه شهرنشینی و نیز، با امید به زندگی در بدو تولد با احتمال ۹۹ درصد ($P < 0.01$) و با امید به زندگی در بدو تولد با احتمال ۹۵ درصد ($P < 0.05$) رابطه معنادار وجود دارد.

همچنین بررسی های مربوط به بعد خانواده نشان می‌دهد که بین بعد خانواده و شاخص‌های توسعه اجتماعی توسعه شهرنشینی و نیز سطح تحصیلات عالی زنان و توسعه فناوری های مربوط به اینترنت با

47 بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

احتمال ۹۹ درصد ($P < 0.01$) و با امید به زندگی در بدو تولد با احتمال ۹۵ درصد ($P < 0.05$) رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۳): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: نسبت طلاق به ازدواج)

ضرب	ضرب	مقدار T	سطح معناداری	F	ضرب	تعیین	سطح معناداری
بتا	استاندارد بتا	آزمون		آزمون	تعدیل شده		
۱/۳۶۳		۳/۷۳۹	۰/۰۶۵	۸۲/۳۹۵	۰/۷۷۲		۰/۰۰۱
۰/۷۴۳	۱/۱۷	۱۲/۶۶	۰/۰۰۶				
-۱/۸۵	-۰/۴۷۶	-۵/۱۴	۰/۰۳۶				

طبق جدول مذکور ، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۷۷۲ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۷۷/۲ درصد از تغییرات مربوط به نسبت طلاق به ازدواج توسط توسعه فناوری های مربوط به اینترنت و اشتغال زنان قابل تبیین و توضیح می باشد. با توجه به ضرائب β بدست آمده، می توان رابطه ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول بندی نمود:

$$\text{اشغال زنان} \times ۱/۸۵ - (\text{توسعه فناوری های مربوط به اینترنت}) \times ۰/۷۴۳ + ۱/۳۶۳ = (\text{نسبت}$$

طلاق به ازدواج)

جدول شماره (۴): نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه ی متغیرها با استفاده آزمون فریدمن

متغیرهای معنادار شده	ترتیب میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره	سطح معناداری
توسعه فناوری های مربوط به اینترنت	۲	۱	۵	۰/۰۲۵
اشغال زنان	۱			

از آنجا که مقدار p-value کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است، فرض صفر را رد می‌کنیم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین متغیرهای معنادار شده توسعه فناوری های مربوط به اینترنت و اشتغال زنان تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین رتبه متغیرها مشابه آزمون رگرسیون چندمتغیره است.

جدول (۵): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: میانگین سن ازدواج زنان)

ضریب بتا	ضریب استاندارد بتا	مقدار T	سطح معناداری	مقدار F	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
۹/۶۷		۱۷/۹۶۸	۰/۰۰۳	۸۸۰/۴۴۰	۰/۹۲۸	۰/۹۰۴	۰/۰۰۲
۰/۴۲۵	۰/۵۲۲	۷/۹۷	۰/۰۱۵				
۰/۱۰۸	۰/۵۱۴	۷/۸۴۶	۰/۰۱۶				

طبق جدول مذکور، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۹۰۴ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۹۰/۴ درصد از تغییرات مربوط به میانگین سن ازدواج زنان توسط امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان قابل تبیین و توضیح می‌باشد. با توجه به ضرائب β بدست آمده، می‌توان رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$\text{امید به زندگی در بدو تولد} \times ۰/۱۰۸ + (\text{اشتغال زنان}) \times ۰/۴۲۵ + ۹/۶۷ = (\text{میانگین سن ازدواج زنان})$$

جدول شماره (۶): نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه‌ی متغیرها با استفاده آزمون فریدمن

متغیرهای معنادار شده	ترتیب میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره	سطح معناداری
امید به زندگی در بدو تولد	۲	۱	۵	۰/۰۲
اشتغال زنان	۱			

49بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

از آنجا که مقدار p-value کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است، فرض صفر را رد می کنیم. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین میانگین متغیرهای معنادار شده امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین رتبه متغیرها مشابه آزمون رگرسیون چند متغیره است.

جدول (۷): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: میانگین سن ازدواج مردان)

ضریب	ضریب بتا	مقدار T	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۶۶	۲۴/۵۴۴	۰/۰۰۲	۰/۹۷۹	۰/۹۷۳	۵۵۶/۵۸۳	۰/۰۰۲
امید به زندگی در بدو تولد	۰/۲۵۳	۱/۲۲	۰/۰۰۲	۲۲/۷۲۱			
اشتغال زنان	-۰/۲۱۵	-۰/۲۶۹	-۵/۰۰۵	۰/۰۳۸			

طبق جدول مذکور ، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۹۷۳ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۹۷/۳ درصد از تغییرات مربوط به میانگین سن ازدواج مردان توسط امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان قابل تبیین و توضیح می باشد. با توجه به ضرایب β بدست آمده، می توان رابطه ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول بندی نمود:

$$(\text{امید به زندگی در بدو تولد}) \times 0.253 + (\text{اشتغال زنان}) \times 0.215 - 0.66 = (\text{میانگین سن ازدواج مردان})$$

جدول شماره (۸): نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه ی متغیرها با استفاده آزمون فریدمن

متغیرهای معنادار شده	ترتیب میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره	سطح معناداری
امید به زندگی در بدو تولد	۱	۱	۵	۰/۰۲۵
اشتغال زنان	۲			

۵۰.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

از آنجا که مقدار p-value کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است، فرض صفر را رد می‌کنیم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین متغیرهای معنادار شده امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین رتبه متغیرها مشابه آزمون رگرسیون چندگانه است.

جدول (۹): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: بعد خانواده)

ضریب بتا	ضریب استاندارد بتا	مقدار T	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری
۰/۱۹۱		۱۰۱/۷۷۵	۰/۰۰۱	۰/۹۹۵	۰/۹۹۴	۶۱۵/۲۱۳	۰/۰۰۱
-۰/۰۸۴	-۰/۹۹۸	-۴۴/۸۰۳	۰/۰۰۱				

طبق جدول مذکور، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۹۹۴ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۹۹/۴ درصد از تغییرات مربوط به بعد خانواده توسط زنان با تحصیلات عالی قابل تبیین و توضیح می‌باشد. با توجه به ضرائب β بدست آمده، می‌توان رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:
 (زنان با تحصیلات عالی) \times ۰/۰۸۴ + ۰/۱۹۱ = (بعد خانواده)

جدول (۱۰): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: درصد مردان ازدواج نکرده)

ضریب بتا	ضریب استاندارد بتا	مقدار T	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری
۲/۲۴		۱۱/۴۲۷	۰/۰۰۱	۰/۷۴۵	۰/۶۶۰	۸/۷۶۶	۰/۰۵۰
-۰/۴۲۰	-۰/۸۸۳	-۲/۹۶۱	۰/۰۵۰				

طبق جدول مذکور، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. هم‌چنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۶۰ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۶۶ درصد از تغییرات مربوط به درصد مردان ازدواج نکرده توسط توسعه فناوری‌های مربوط به اینترنت قابل تبیین و

51.....بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

توضیح می‌باشد. با توجه به ضرائب β بدست آمده، می‌توان رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(توسعه فناوری های مربوط به اینترنت) \times 0/420 - 2/24 = (\text{درصد مردان ازدواج نکرده})$$

جدول (۱۱): خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره (متغیر وابسته: درصد زنان ازدواج نکرده)

ضریب بتا	ضریب استاندارد بتا	مقدار T	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری
۳/۵۵۸	۱/۳۲۱	۱۵/۰۴۲	۰/۰۰۱	۰/۹۵۷	۰/۹۴۷	۲۶۷/۹۱۴	۰/۰۰۱
-۰/۸۴۲	-۰/۳۹۳	-۴/۴۷۵	۰/۰۲۱				

طبق جدول مذکور، با توجه به مقدار F و p-value مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۹۴۷ بدست آمده است که بیانگر آن است که ۹۴/۷ درصد از تغییرات مربوط به درصد زنان ازدواج نکرده توسط زنان با تحصیلات عالی و اشتغال زنان قابل تبیین و توضیح می‌باشد. با توجه به ضرائب β بدست آمده، می‌توان رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{زنان با تحصیلات عالی}) \times 0/842 - 3/558 = (\text{اشتغال زنان})$$

بحث و نتیجه گیری

طبق نتایج به دست آمده هرچه نفوذ اینترنت در خانواده‌ها بیشتر باشد، نسبت طلاق به ازدواج نیز بیشتر می‌شود. همچنین، هرچه توسعه شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان بیشتر بوده، میانگین سن ازدواج بالاتر رفته است. همچنین، هرچه توسعه شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد، نفوذ اینترنت و توسعه فناوری و تحصیلات عالی زنان، بیشتر بوده ملاحظه می‌گردد که میانگین سن ازدواج مردان نیز بالاتر رفته است. همچنین شاخصهای توسعه شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد، نفوذ اینترنت و توسعه فناوری و تحصیلات عالی زنان با بعد خانواده رابطه عکس را نشان داده است، یعنی با افزایش این شاخصها

بعد خانواده در طی سالهای مورد مطالعه کاهش یافته است. همچنین، نتایج بررسی‌های استنباطی داده‌های تحقیق نشان داد که توسعه فناوری‌های مربوط به اینترنت (نفوذ اینترنت) و اشتغال زنان بر نسبت طلاق به ازدواج تاثیر مثبت دارد. بدین معنا که این دو مولفه توانسته‌اند نسبت طلاق به ازدواج را افزایش دهند.

همچنین، دسترسی آسان به اینترنت، ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار داده و موجب شده تا شاهد تغییراتی در رفتار و گفتار اعضای خانواده باشیم. دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطی و اینترنت باعث شده تا اعضای خانواده وقت بیشتری را در این محیط‌ها گذرانده، از هم فاصله بگیرند، با دوستان همجنس و غیر همجنس بیشتری ارتباط داشته باشند و وقت کمتری را با اعضای خانواده بگذرانند (کفاشی، ۱۳۸۸). در میانگین سن ازدواج زنان و مردان، مولفه‌های امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان تاثیر داشته است و با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که امید به زندگی در بدو تولد و اشتغال زنان توانسته‌اند میانگین سن ازدواج را افزایش دهند. عاملی که منجر به کاهش بعد خانواده در این مطالعه شده است، تحصیلات عالی زنان می‌باشد که در دهه‌های اخیر ملاحظه می‌گردد. از نقطه نظر تاریخی در جامعه ایران، تشکیل خانواده ارتباط تنگاتنگی با تجدید نسل و فرزندآوری داشته و غالباً یکی از انگیزه‌های اصلی و اولیه ازدواج، تداوم نسل و داشتن فرزند به شمار می‌رفت.

از این رو، انتظارات رایج اجتماعی از زوجین و به ویژه زنان، این بود که در فاصله کوتاهی پس از شروع زندگی زناشویی اولین فرزند خود را به دنیا آورند. با این حال، شواهد حاکی از تغییرات اخیر است که در رفتارهای فاصله‌گذاری و توقف فرزندان در حال وقوع است. تفاوت بین نسلی قابل توجهی در نگرش‌ها در مورد فاصله‌گذاری بین زمان ازدواج و تولد اولین فرزند مشاهده می‌شود و نسل دختران گرایش زیادی در جهت به تاخیر انداختن فرزندآوری دارند. از این رو به نظر می‌رسد که الگوی سنتی به دنیا آوردن چند فرزند فوری بلافاصله بعد از ازدواج در حال تغییر اساسی می‌باشد (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۶).. با توجه به افزایش میل زنان به داشتن تحصیلات عالی این مولفه در کاهش بعد خانواده تاثیر داشته است. همچنین طبق نتایج به دست آمده، زنان با تحصیلات

53 بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

عالیه و اشتغال زنان در افزایش درصد زنان ازدواج نکرده تاثیر داشته اند و منجر به افزایش این شاخص شده اند. اما مولفه ای که در درصد مردان ازدواج نکرده تاثیر داشته است، توسعه فناوری های مربوط به اینترنت (نفوذ اینترنت) می باشد. در بررسی های مختلفی تاثیر اشتغال و تحصیلات عالیه زنان بر تاخیر ازدواج تایید شده است. عباسی (۱۳۹۵) در تحقیقی که درباره علل افزایش سن ازدواج دختران انجام داد، به این نتیجه رسید که، تقریباً نیمی از پاسخگویان با داشتن شغل مناسب ترجیح می دهند که تنها و مستقل زندگی کنند و همچنین با داشتن شغل احساس رضایت بیش تری از خودشان دارند و تقریباً یک سوم آنها فکر می کنند که با فکر کردن به ازدواج موقعیت شغلی آنها به خطر می افتد و درصد کمی از آن ها با داشتن شغل، دیگر حتی به ازدواج فکر نمی کنند و حاضر به خانه داری و نگهداری از کودکان در زندگی آینده نیستند. با توجه به شاخصهای موجود، در تفکیک زنان به دو گروه ازدواج کرده و ازدواج نکرده مجموعه ای از عوامل ارزشی و فردی دخیل هستند. افزایش سن ازدواج دختران بدان معنا نیست که آنان اعتقاد و علاقه ای به ازدواج ندارند، بلکه فرهنگ ازدواج در ایران برای آنان شرایط را فراهم نمی کند. با توجه به این که در جامعه و در فرهنگ دینی ما باید به خواستگاری دختران رفت و دختران ناگزیرند که از بین خواستگاران خود دست به انتخاب بزنند، بنابراین برطرف نمودن موانع و فراهم آوردن زمینه ازدواج پسران در کاهش سن ازدواج دختران و ازدواج بهنگام آنان می تواند موثر باشد. زمانی که زمینه ازدواج پسران فراهم نباشد، دختران ترجیح می دهند به جای نشستن در خانه در پی کسب مهارت و ... باشند. بنابراین به دنبال کسب تحصیل رفته و سطح تحصیلات خود را ارتقاء می دهند.

در پی افزایش تحصیلات از یک طرف اولویت ها و ایده ال های افراد تغییر خواهد کرد و از طرف دیگر شرایط شغلی و کاری بهتری برای دختران فراهم خواهد شد که آنان را به لحاظ اقتصادی مستقل خواهد نمود. از طرف دیگر، به دلیل عدم قابلیت دسترسی به زوج مناسب، ازدواج آنان به تاخیر خواهد افتاد. چراکه زوج مناسب این افراد به طور معمول افرادی هستند که تحصیلات بالاتر یا هم سطح آنان داشته باشند. بنابراین مشکلات ازدواج برای این افراد در مقایسه با افراد هم سن خود که تحصیلات عالیه ندارند، بیش تر خواهد بود. بنابراین برطرف نمودن موانع ازدواج پسران و ازدواج به

موقع آنان در کاهش سن ازدواج دختران نیز و ازدواج بهنگام آنان موثر است. به طور کلی، افزایش نظر مساعدتر جوانان نسبت به مجرد، می‌تواند بیانگر تغییری می‌باشد که در نگرش نسبت به مجرد و همسو با تاخیر در سن ازدواج و طولانی‌تر شدن دوره مجرد طی سالیان اخیر در جامعه ایران روی داده است. این نگرش می‌تواند منعکس‌کننده موافقت و تمایل عده‌ای از جوانان به طولانی‌تر شدن دوره مجرد باشد، اما به معنای تمایل آنان به مجرد قطعی نیست؛ زیرا گرایش‌های فرهنگی رایج در جامعه ایران به طور کلی در جهت حمایت شدید از ازدواج است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۶). از سوی دیگر تعریف ازدواج تا حدودی تغییر کرده است، به این معنی که افراد کمی در حال حاضر معتقدند که باید تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند، ازدواج باید ادامه یابد. یکی از شاخص‌های بررسی تحول خانواده و سن ازدواج، وضعیت اقتصادی آن است.

در سالیان اخیر، سطح اقتصادی زندگی افراد، میزان رفاه طلبی و میزان بهره‌گیری از امکانات مختلف افزایشی چشمگیر داشته است. پیامد این موضوع، امکان بر خورداری از تغذیه مناسب‌تر، تحصیلات بیشتر، سلامت و درمان بهتر، بر خورداری از پوشاک مناسب‌تر و سفر و گردش بیشتر به اضافه بسیاری چیزهای دیگر است. در گذشته، توده مردم نسبت به طلاق بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کردند و قبح اجتماعی طلاق بسیار زیاد بود (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۲). طبق تحقیقات دفتر امور آسیب دیدگان سازمان بهزیستی، طلاق در ایران نسبت به گذشته افزایش یافته است، امروزه، زنان و مردان بدون توجه به اهمیت خانواده و کارکرد آن و هم‌چنین به جهت عدم دقت در تشکیل آن به محض بروز مشکلات، در عوض یافتن راه حلی برای مشکل به راحتی سبب از هم گسیختگی خانواده می‌گردند (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از متغیرهایی که در بررسی تحول و تجددگرایی خانواده‌ها مهم می‌باشد و منجر به طلاق می‌شود، متغیر اعتماد است که تا چه حد از میزان تجددگرایی در خانواده‌ها تأثیر پذیرفته؟ نتایج پژوهشی بیانگر تأثیر فرآیند مدرنیته بر فرسایش سرمایه اجتماعی اعتماد در میان خانواده‌های ایرانی می‌باشد. پایین بودن سطح اعتماد متقابل در سطح در کشور (۵/۲۷ در مقیاس ۰ تا ۱۰) و خصوصاً

55.....بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

سطح پایین تر اعتماد متقابل در میان زنان نسبت به مردان (به ترتیب ۵/۲۳ به ۵/۳۲) به خودی خود می تواند نشانه های آسیب شناختی روابط اجتماعی خانواده ها تلقی شود (شکریگی، ۱۳۸۸).

یکی دیگر از مسایل و چالش های ازدواج در جامعه ما، دشواری دسترسی به همسر مناسب به علت عدم تعادل و توازن نسبت های جنسی به هنگام ازدواج یا به عبارتی عدم تناسب جنسی در مورد مساله فرصت ازدواج می باشد. به طور معمول ازدواج ها با یک فاصله سنی بین زن و مرد صورت می گیرد، در جوامعی که ساختار جمعیتی جوان دارند و هرم سنی آنها مثلثی شکل می باشد، ازدواج افراد از دو گروه سنی متفاوت که تعدادشان یکسان نیست و این تفاوت سنی به نفع مردان می باشد، سبب می شود عده ای مجرد باقی بمانند و فرصت دستیابی به زوج مناسب را از دست بدهند. در حال حاضر، در ایران دختران متولد دهه ۶۰ انفجار موالید سریع به سن ازدواج رسیده اند. این دختران، علیرغم کم شدن فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج، فشار و مضيقه ازدواج را با توجه به تحولات جمعیتی ایران، مرگ و میر بیشتر مردان (به دلیل جنگ، تصادفات و...) و شرایط بحران بیکاری، در حادترین شکل تجربه می کنند (جعفری مژدهی، ۱۳۸۲).

با توجه به این که مسئولیت اصلی تامین مخارج زندگی مشترک بر عهده مردان است، اشتغال بعنوان پیش شرط ازدواج پسران از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. شرایط سخت زندگی در سال های اخیر و مشکلات دستیابی جوانان به فرصت های شغلی، زمینه ساز مسئله ازدواج جوانان شده است. جوانانی که به واسطه بیکاری از ابزار استقلال مالی محروم مانده اند، مجبورند تا به وابستگی خود به کمک های مالی خانواده ادامه دهند. این مساله موجب می شود که جوانان برنامه ها و هدف های خود (از قبیل ازدواج و تشکیل خانواده) را تا آینده نامعلوم به تاخیر بیندازند. عده ای با توجه به ملاک ها و معیارهای خود برای انتخاب همسر، هنوز فرد مناسب و ایده آل را برای ازدواج پیدا نکرده اند. این امر خود می تواند ناشی از بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات از یکسو، و از سوی دیگر ناشی از نامناسب بودن فضای ارتباطات اجتماعی و برهم خوردن نظم ارتباطی سنتی باشد که فضاهای اجتماعی را از ایفا کارکردهای خود عاری ساخته است. مهریه و مقدار زیاد آن یکی دیگر از معضلات و مشکلات جوانان در امر ازدواج می باشد. در شرایط فعلی جامعه، عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی

زنان از یکسو و افزایش آمارهای طلاق از سوی دیگر، دختران و والدین آنها را به شدت از آینده بیمناک نموده و به همین جهت مهریه سنگین را تضمینی در برابر شرایط می‌دانند. به طور کلی نسیه بودن مهریه، چشم و هم‌چشمی و عادت اجتماعی تفاخر آمیز، گسترش مادی‌گرایی، افزایش طلاق در جامعه و بیمه بودن در برابر این معضل در افزایش مهریه تأثیر زیادی داشته و آن هم به نوبه خود زمینه‌ساز مساله ازدواج جوانان در ایران شده است.

در جمع‌بندی کلی‌تر، در تمامی روندهای تحقیق هر چند با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی در تأثیر شاخص‌های توسعه در تغییر ساختار خانواده ملاحظه می‌گردد، اما تأثیرات شاخص‌های توسعه بطور کلی در جامعه ایران و کشورهای صنعتی مشابهت‌های بسیاری دارد. آنچه در تحقیق فوق می‌توان به شکل مشخص مورد توجه قرار داد، شاخص‌های توسعه تحت تأثیر تکنولوژی روز تأثیر بسیاری را باعث شده است که علاوه بر تأثیر در بعد خانواده شکل ازدواج نیز تحت تأثیر قرار داده است و اشکال جدیدی از ازدواج که تا کنون در تاریخ جوامع انسانی وجود نداشته است را می‌توان مشاهده نمود. مثال آن ازدواج سفید، دگرباشان و حتی ازدواج‌های بسیار کوتاه مدت که می‌توان آن را ازدواج ساندویچی نام‌گذاری کرد، را شاهدیم. لذا، به شکل آشکاری تأثیر متقابل و حتی غالب تغییرات تکنولوژی در تغییر آداب و رسوم و اخلاقیاتی که مستحکم‌ترین ساختاری که شکل‌گیری جامعه را رقم می‌زند یعنی خانواده را دچار تغییر و تحول می‌کند که می‌توان تأییدی باشد در جهت نظریه مارکس و انگلس و اما چنین روندی می‌تواند به لحاظ بعد خانواده و ترکیب جمعیتی و همچنین اضمحلال و صنعتی و مصنوعی شدن روح حیات انسانی منجر گردد که در شرایط کنونی به دلیل نامشخص بودن جهش‌های تکنولوژی و پیش‌بینی دقیق روند تحولات نمی‌توان از پیش چارچوبی اخلاقی متناسب با تحولات بیست سال آینده را از هم اکنون به عنوان راهکار ارایه نمود. همان‌طور که در حال حاضر نیز اخلاقیات حتی دو سه قرن گذشته نیز نمی‌توان در ارتباط با جامعه کنونی در شکل و ساختار خانواده به عنوان الگوی این نسل توصیه نمود.

لذا این‌طور به نظر می‌رسد که حتی افکاری متناسب با جامعه مدنی که بر اساس تساوی بین زن و مرد و در نظر گرفتن حقوق برابر نیز رضایت درونی زوجین با توجه به تنوع سلیقه‌ها موجب نشده است و

57 بررسی تأثیر شاخص های توسعه اجتماعی بر ساختار خانواده از دیدگاه جامعه شناختی

حتی در جوامع کاملاً صنعتی و شهرهای برخوردار کشورمان که از چنین امکانات برابری برخوردارند، میزان طلاق در حال افزایش می باشد که آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و برخورداری از آزادی باعث گردیده که زنان خواهان شرایط رضایت بخش تر از زمان فعلی و افزایش گسترده بیشتر مرزهای فعلی آزادی و برابری و حقوق انسانی خود می دانند خواهانند و شاهدیم که رعایت حقوق اولیه کنونی باعث اقناع و رضایت از زندگی مشترک نشده که طلاق های رو به تراید گواه این ادعا می باشد.

منابع:

- احمدی، وکیل. (۱۳۹۱). بررسی تغییرات ساختاری خانواده و تأثیر آن بر جامعه پذیری دانش آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، سال ۹، شماره ۴، زمستان.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). جهانی سازی و توسعه اجتماعی. مجموعه مقالات توسعه اجتماعی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
- جعفری مژدهی، افشین. (۱۳۸۲). عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، صص ۸۳-۱۰۴
- جغتایی، فائزه؛ موسوی، میرطاهر؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۵). ابعاد و مولفه های توسعه اجتماعی در برنامه های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۵۵-۸۸
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۲). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، مرکز.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه شناسی تحولات ارزشی در ایرا : ن نگاهی به رفتار شناسی رأی دهندگان در دوم خرداد . تهران، فرهنگ و اندیشه.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، چاپ چهارم.
- زارتسکی، ایلائی. (۱۳۹۰). سرمایه داری، خانواده و زندگی شخصی، ترجم هی منیژه نجم ، عراقی . تهران، نی .
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری. انتشارات مازیار، تهران.
- شکریبگی، عالییه. (۱۳۸۸). تجددگرایی، سرمایه اجتماعی و خانواده ایرانی . علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۹۳
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی . زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۳-۸۴

- عباسی، پریسا. (1395). بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسان، سال دوم، شماره سوم پیاپی، بهار.
- عسکری ندوشن، عباس و عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول. (۱۳۸۶). مادران و دختران و ازدواج تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۷-۴۶.
- فاضلی، نعمت‌اله. (۱۳۹۱). فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران، تیسا.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰). توسعه و انسان‌شناسی کاربردی، تهران، افکار.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۸). بررسی اینترنت بر ارزش‌های خانواده. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۶-۵۵.
- لشکری، محمد. (۱۳۸۷). شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی. جامعه و اقتصاد. سال ۵، شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز و زمستان.
- متقی، سمیرا. (۱۳۹۶). واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران (رویکردی بر برنامه‌های توسعه)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز، صص ۱۸۲-۲۰۵.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- مک کارتی، جین رینز و روزالیند ادوارد. (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمدمهدی لیبی. تهران: علم.
- ملکی، امیر، ربیعی، علی، شکرپیگی، عالی وقادر بالاخانی. (۱۳۹۴). بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۸، شماره ۶۹، پاییز، صص ۷۳-۹۶.
- میرمحمدرضائی، سیده زهرا، باقر ساروخانی. (۱۳۹۷). نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال سیزدهم، شماره ۴۴، پاییز.
- هنریان، مسعود و یونسی، سید جلال. (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، فصلنامه -مطالعات روان‌شناسی بالینی، شماره سوم، سال اول، صص ۱۰۹-۱۱۹.
- یزدانی، عباسعلی و سیمین دوستی. (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، زمستان، صص ۷۵-۱۰۰.

Bauman, Zygmunt. (2003). *Liquid Love*, Polity Press, Cambridge CB2 1UR, UK.

Beck, U. & E. Beck-Gernsheim. (2002). *Individualization: Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences*. London: Sage.

- Castells, Manuel. (2007). *Information Age: Economics, Society and Culture: Identity Power*, translated by Ahad Aligolian et al., Tehran, New Plan. (PERSIAN)
- Center for sustainable systems (2013) *Social Development Indicators* css.snre.umich.edu/css_doc/CSS08-15.pdf.
- Civil Registration Organization. *Statistical Yearbooks of the Civil Registration Organization - Statistical Yearbooks of the Civil Registration Organization*, Tehran, Statistics and Population Information and Immigration Office.
- Dinisman, Tamar, Sabine Andresen, Carme Montserrat, Dorota Strózik, Tomasz Strózik. (2017). Family structure and family relationship from the child well-being perspective: Findings from comparative analysis, *Children and Youth Services Review*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.chilyouth.2017.06.064>.
- Giddens, Anthony. (2005). *Modernization and Personalization*, translated by Nasser Movaffaghian, Tehran, Ney. (PERSIAN)
- Haddad. A., Purlilo, R. Fapta. R.N. (2019). Health professional and patient interaction (Ninth Edition), <https://doi.org.10.1016:212-229>.
- Kumar.A. (2012). The Impact of globalization on Family- structure: a sociological Study (In Reference to the 300 Benegali Families Situating in Udham Singh nagar district of Uttarakhand. *Journal of Experimental Sciences* 2012, 3(1): 10-13.
- Moskowitz, Marc L.(2007). Failed Families and Quiet Individualism: Domestic Abuse and Women's Strategies of Resistance in Urban Taiwan. *Journal of Archaeology*. Volum 67, 2007: 157-184.
- Sadeghi Fasaei, Soheila and Kalhor, Samira. (2007). Dimensions of gender gap and extent of its reduction in the Third Development Plan, *Women's Research*, Volume 5, Number 2.
- Sadeghi, Rasoul, Mohammad Ali Ghodsi and Javad Afsharcken. (2007). Analysis of the issue of marriage and validation of a solution, *Women's Research*, Volume 5, Number 1.
- Statistics Canada. (2012). *Portrait of Families and Living Arrangements in Canada: Families, households and marital status, 2011 Census of Population*. Retrieved July 2, 2014, from: <http://www12.statcan.gc.ca/census-recensement/2011/as-sa/98-312-x/98-312-x2011001-eng.pdf>
- Stiglitz, Joseph. (2002). Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm, *Review of Development Economics*, 6: 152-182
- Tomas, M.C. (2013). *Reviewing Family Studies: A Brief Comment on Selected Topics*. R. bras.Est. Pop; Rio de Janeiro, v. 30, n. 1, p.171-198.
- Vogelgesang, J. (2016). Is the Influence on Government Size on Social Welfare Different among Lesser Developed, Developing and More Developed Nations? An Economic Panel Analysis, at: www.antolindavies.com/theses/vogelgesang.docx.
- World Bank (1990/2016). *Human Development Report*, Washington DC: United Nations.